

رابطه دین و سیاست از دیدگاه شیعه امامیه

(با تاکید بر دکتربین مهدویت از منظر قرآن و روایات)

علی ملکی^۱

چکیده

تبیین رابطه دین و سیاست در دکتربین مهدویت شیعه امامیه، یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان مسلمان است که می‌تواند در عصر غیبت راهنمای دولتهای اسلامی در تصمیمات و سیاستگذاریها باشد. این پژوهش درصدد است تا با روش توصیفی تحلیلی به سوالات ذیل پاسخ دهد: ۱- رابطه دین و سیاست در اندیشه مهدویت براساس آموزه‌های دین اسلام در قرآن و روایات چگونه تبیین می‌شود؟ ۲- نگرش شیعه امامیه در این مساله، چه تمایزی با رابطه دین و سیاست در دنیای مدرن و متجدد دارد؟ دین در دکتربین مهدویت شیعی متأثر از نصوص دینی، برای هدایت انسان در دنیا و آخرت آمده است و به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان جهت می‌دهد. بنابراین رابطه دین و سیاست یک رابطه ماهوی و منطقی است و دین بر حیات سیاسی انسان اشرف داشته، همه ابعاد رفتاری از جمله رفتارهای سیاسی را به سوی اهداف معنوی و قرب الهی پیش می‌برد. نوآوری این مقاله در آن است که می‌تواند، علاوه بر تبیین رابطه دین و دولت در اندیشه مهدویت، برای جهت دهی رفتار جوامع اسلامی در دوره غیبت راهگشا باشد.

کلیدواژگان: قرآن، دین، سیاست، مهدویت، قرآن، روایات

مقدمه

تعامل دین و سیاست یکی از محوری‌ترین، مهم‌ترین و جدی‌ترین بحث در بین کشورهای اسلامی و ایران است و اندیشمندان غربی و شرقی که درباره مسلمانان بحث می‌کنند به این مشکل، توجه کافی دارند. دین همواره نهاد فراگیری بود که رابطه انسان را با خدا، انسان‌های دیگر، خود و طبیعت مشخص می‌نماید و برای حوزه‌های مختلف زندگی، حقوق و احکامی مشخص بیان می‌کند. دین اسلام با طرح دکتربین مهدویت در آخرالزمان، برای هماهنگ‌سازی تاریخ و جامعه با ارزش‌های دینی و همچنین بهره‌گرفتن علوم

۱. استادیار دانشگاه تفرش. Ali_malaki70@yahoo.com

عصر ظهور، یک رابطه تعاملی را طراحی می‌کند که در آن سیاست و دیانت به جای تعارض، همنشینی در وجه تکاملی را تجربه می‌کنند، زیرا بر طبق آموزه های مهدوی این نظام سیاسی پس از یاس عمومی مردم از انواع نظامهای سیاسی و خواست عمومی برای تغییرات اساسی، پدید می‌آید.

تبیین رابطه دین و دولت در همه جوامع از مهمترین دغدغه های اندیشمندان سیاسی است. سوال اساسی آن است که دین اسلام بر اساس آموزه های خود در قرآن و روایات، چگونه رابطه دین و سیاست را در حکومت آرمانی مهدوی، تبیین کرده است و چه وجوه تمایزی با تبیین رابطه دین و دولت در دنیای مدرن و متجدد دارد؟

بر اساس آموزه های شیعی مهدویت متاثر از نصوص دینی، دین برای هدایت انسان در دنیا و آخرت آمده و به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان جهت می‌دهد. بنابراین رابطه دین و سیاست یک رابطه ماهوی و منطقی است و دین بر حیات سیاسی انسان اشرف داشته، همه ابعاد رفتاری از جمله رفتارهای سیاسی را به سوی اهداف معنوی و قرب الهی پیش می‌برد. اگرچه در باره مناسبات دین و سیاست، کتب و مقالات متنوعی نوشته شده است اما این مقاله نوآوری اش در این است که می‌خواهد با روش توصیفی تحلیلی، رابطه دین و سیاست را در آموزه های مهدویت تبیین نماید تا هم از حیث تئوریک به این مشکل پرداخته و هم از حیث عملی در جهت دهی رفتار جوامع اسلامی در دوره غیبت راهنما باشد.

نوآوری پژوهش حاضر تبیین رابطه دین و سیاست در حکومت جهانی مهدوی به صورت ماهوی و منطقی است که مدینه فاضله اسلامی و موعود همه ادیان است و با تکیه بر آیات و روایات بررسی خواهد شد. اگرچه تحلیل و تبیین مناسبات های دین و دولت در آثار مختلف مورد توجه و تأمل بوده است؛ اما تاکنون تمرکز جدی و دقیق بر تبیین رابطه دین و سیاست در حکومت مهدوی نشده است که برای اولین بار در این پژوهش انجام می‌شود. در این پژوهش ابتدا مفاهیم مورد نیاز مانند دکتترین، مهدویت، دین، سیاست و مفاهیم مرتبط تشریح می‌شود و سپس با بیان مباحث نظری و الگوهای دین و سیاست در ایران و جهان مدرن، نگرش مهدویت بر اساس آموزه های قرآنی و روایی تبیین می‌گردد

۱- مفاهیم و تاریخچه

قبل از پرداختن به اصل بحث ابتدا مفاهیم مرتبط با موضوع مقاله را تشریح می‌کنیم:

۱-۱- دکتربن

دکترین به از واژه لاتینی *Doctrina* گرفته شده و به معنای نوعی از جهان‌بینی، یک شاخه دانش، یک نظام فکری و اصولی برای خط‌مشی دولت‌ها آمده است. از این رو، در تعریف آن می‌توان گفت؛ دکترین، نوعی از جهان‌بینی است که برنامه‌های سیاسی بر اساس آن، ریشه و بنیاد یافته باشد یا مجموعه‌ای از نظام‌های فکری که بر پایه اصول معینی مبتنی باشد. همچنین به تنظیم اصولی که بر طبق آن، دولت‌ها خط‌مشی خود را به‌ویژه در روابط بین‌المللی تعیین می‌کنند، اطلاق می‌گردد (علی‌بابایی و آقایی، ۱۳۶۵: ۲۷۰). دکترین در عرصه سیاسی اجتماعی غالباً به دیدگاه‌های اعلامی سنت اسلامی یا رهبران سیاسی اشاره دارد (بهرزک، ۱۳۸۴: ۲۳).

مراد از دکترین مهدویت در این نوشتار، همان مکتب فکری مهدویت است که از آموزه‌های قرآنی و روایی شیعه امامیه درباره قیام و انقلاب حضرت مهدی (عج) برداشت می‌شود. دکترین مهدویت دارای ابعاد سیاسی اجتماعی است و سیاست مهدوی فرایندی است که با زمینه‌سازی فضیلت در دنیا، زمینه قرب الهی و سعادت اخروی را فراهم می‌آورد.

۱-۲- مهدویت

مهدویت یعنی منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی، حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری حضرت مهدی (عج) است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۹)

این ایده که دیروز جهان به فردای آن پیوند خواهد خورد، از امور مسلم دکترین مهدویت است و مؤید آن آیه شریفه زیر است: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵): و همانا در (کتاب آسمانی) زبور بعد از ذکر (تورات، نازل شده) نوشتیم که قطعاً بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد. بر طبق وعده ادیان الهی آینده جهان با ظهور منجی موعود، قرین سعادت و کمال انسان خواهد بود و بشر به تکامل فکری و اخلاقی و معنوی دست خواهد یافت و زندگی بشر در آینده، به عالی‌ترین و کامل‌ترین

زندگی‌ها منتهی می‌شود. «ظهور منجی موعود مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است. از مجموع آیات و روایات استنباط می‌شود که قیام مهدی موعود، آخرین حلقه از مجموع حلقات مبارزات حق و باطل است که از آغاز جهان برپا بوده است. مهدی موعود تحقق بخش ایده آل همه انبیا و اولیا و مردان مبارز راه حق است» (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۲۴: ۴۳۷ - ۴۳۸) و این که ادیان پیش بینی می‌کنند که عدل کامل، صلح کامل، رفاه کامل، سلامت کامل و امنیت کامل برقرار خواهد شد، همان پیش بینی تکامل تاریخ و تکامل بشریت است؛ یعنی زندگی بشر در آینده منتهی می‌شود به عالی‌ترین و کامل‌ترین زندگی‌ها که از جمله آثاری که در آن هست، آشتی انسان و طبیعت است، و آن این است که زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد، آسمان تمام برکات خود را در اختیار انسان قرار می‌دهد و همه اینها خود، تکامل تاریخ است» (مطهری، ج ۱۵: ۱۷۸). حکومت جهانی امام مهدی (عج) دست‌آوردهای بسیاری خواهد داشت، و در واقع در آن دوره معرفت و عدالت، صلح و انسانیت و معنویت، حکومت خواهد کرد.

۱-۳- دین

واژه دین در رشته‌های مختلف دین پژوهی، معانی متفاوتی دارد و لذا به شیوه‌های متفاوت تعریف شده است. از آنجایی که این پژوهش درباره دین و سیاست در حکومت مهدوی بحث می‌کند لذا مراد از دین، همان دین اسلام است. دین در معنای لغوی به معنای انقیاد، خضوع، پیروی، اطاعت و تسلیم است و در معنای اصطلاحی یعنی مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها نازل شده است (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۷۳). از این رو، هدف دین هدایت و سعادت‌مندی انسان در دنیا و آخرت بوسیله مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اجرائی، اعتقادات و اخلاقیات است و افکار و رفتار بشر را شامل می‌شود.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان تعریفی از دین ارائه کرده است، که براساس آن کارکردهای دنیایی را هم شامل می‌شود:

دین عبارتست از مجموعه‌ای از معارف که از سوی خداوند و به وسیله پیامبر(ص) به سوی انسان نازل شده است، تا سعادت او را در دنیا و آخرت تأمین نماید (طباطبایی، ۱۳۶۹: ۴۰۵). براساس این تعریف، دین اسلام سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند.

در این پژوهش مراد از دین، متون دینی مانند قرآن، سنت، اجماع و عقل می‌باشد. دیدگاه اندیشمندان مسلمان شیعه در باره دین و سیاست در حکومت مهدوی، نگاه تقریباً یکسان و مشترکی می‌باشد و اختلافی بین متون دینی و نوع برداشت آنان، وجود ندارد.

۱-۴- سیاست

سیاست از مفاهیم پیچیده و مبهم است. سیاست در قلمرو علوم انسانی و اجتماعی قرار دارد و بدلیل انگیزه‌های مختلف رفتار بشر، تعریف آن امری مشکل است. از دلایل پیچیدگی و دشوار بودن تعریف سیاست می‌توان، به سیلان قلمرو آن به حوزه‌های مختلف زندگی، تلقی‌ات و تصورات مختلف افراد نسبت به آن، دقیق نبودن تعاریف علوم انسانی نسبت به علوم طبیعی و آمیختگی تعریف آن با ایدئولوژیها و ارزشها، اشاره کرد. اما دانشمندان علوم سیاسی سعی کرده اند تا بر اساس موضوع سیاست، به تعریف دقیقتر آن پردازند و حوزه مباحث آن را، از علوم دیگر تفکیک نمایند.

واژه سیاست در برابر واژه انگلیسی Policy قرار دارد و از واژه یونانی polis به معنای شهر گرفته شده است؛ زیرا در یونان باستان، شهر و دولت از هم تفکیک ناپذیر بودند (ارسطو، ۱۳۶۴: ۱۳). و سیاست به معنای علم حکومت کردن بر شهر بود.

سیاست در زبان فارسی به معنای ذکاوت، تنبیه کردن، تدبیر، برنامه و اداره امور مملکت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۸: ۲۲۰۴). سیاست از حیث اصطلاح در تاریخ اندیشه‌های سیاسی، به سه معنای کسب، حفظ و اعمال قدرت (دوورژه، ۱۳۴۹: ۸) و اداره امور همگانی آمده است (نقیب زاده، ۱۳۸۰: ۲۴) اگرچه بر هر یک از این تعریفها، ایراداتی وارد شده است؛ ولی در هر حال، سیاست با قدرت و دولت پیوند دارد و اداره امور جامعه را، برای رسیدن به منافع عمومی مشترک دنبال می‌کند. پس سیاست را می‌توان اینگونه تعریف کرد:

سیاست یعنی رهبری صلح آمیز یا غیر صلح آمیز روابط میان افراد، گروهها و احزاب (نیروههای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولتهای دیگر، در عرصه جهانی است. علم سیاست، رشته‌ای از آگاهی اجتماعی است که وظیفه آن شناخت منظم قواعد و اصول حاکم بر روابط سیاسی، میان نیروهای اجتماعی در داخل یک کشور و روابط میان دولتها، در عرصه بین المللی است (عالم، ۱۳۷۴: ۳۱-۲۱).

سیاست فرآیندی است که از طریق آن دولت منابع و ارزشها را مقتدرانه توزیع، تصمیمات را اتخاذ و سیاستها را تعیین می کند. سیاست اعمال قدرت و نفوذ در جامعه است. برنارد کریک^۲ موضوع علم سیاست را، نقش حکومت (فعالیت حفظ نظم) می داند که تنظیم روابط بین افراد و گروههاست؛ پس علم سیاست مطالعه کارکرد حکومت در جامعه است (همان: ۵). در تعاریف گوناگون سیاست نوعی تاثیرگذاری، براساس قدرت است و سیاست هم در معنای فعل سیاسی و هم، دانش سیاسی استعمال می شود. مقوله سیاست در مباحث مهدویت از آموزه های دینی اسلام برگرفته از قرآن و روایات معصومین (ع) بیان می شود.

در مباحث مهدویت، سیاست فرآیندی است که با زمینه سازی فضیلت در دنیا، افراد مسلمان را به سوی سعادت اخروی رهنمون می کند؛ در این صورت ماهیتا با تلقی مدرن و متجدد از سیاست، که نگرش عقلانیت ابزاری و سود محور دارد، متفاوت است. در این راستا، هدف از مهدویت در مسائل سیاسی مهدویت-که با توجه به آموزه های مهدوی متخذ از قرآن و سنت است- رابطه دین و سیاست چگونه تبیین شده است؟ این تلقی از رابطه دین و سیاست در مهدویت، با تصورات رایج در دنیای مدرن چه تفاوتی دارد؟ و جامعه اسلامی چگونه می تواند از آن در ساماندهی نظم سیاسی برای رسیدن به توسعه بهره گیرد؟

۱-۵- تاریخچه و پیشینه بحث

پیرامون رابطه دین و سیاست در ایران و سایر کشورها تحقیقات مفصلی انجام شده است. در بین اندیشمندان غربی موریس باریبه در اثر خود (باریبه، ۱۳۸۴) تقسیم بندی دارد که به نظریه ها و کوششهای دنیای مدرن و متجدد و انواع برداشتها از رابطه ی دین و سیاست در غرب مطرح می پردازد که برای ترسیم نظریه های مناسبات دین و دولت به آنها اشاره می کنیم. از این جهت به کتاب او اشاره کردیم که الگوهای نظری دین و سیاست را در اندیشه سیاسی غرب گزارش کرده است.

در ایران صرف نظر از مباحث روزنامه ای، یکسری تحقیقات نظری درباره دین و دولت وجود دارد. علیرضا شجاعی زند در آثار مختلف خود سعی کرده است با عینک جامعه شناسی به تحلیل مناسبات آن دو بپردازد. وی در کتاب «مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین» (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۱۸) تلاش می کند

Bernard crick. ۲

مناسبات دین و دولت را در دو مقوله مشروعیت و اقتدار مورد بررسی قرار دهد و با کنکاش تاریخی، طبقه‌بندی از الگوی تعامل به دست دهد.

او در اثر دیگر خود با عنوان «دین، جامعه و عرفی شدن» (شجاعی زند، ۱۳۸۰) با تعریف دین از منظرهای مختلف به فرآیند عرفی شدن آن در جامعه مسیحی و سپس تأثیر آن در ایران می‌پردازد و معتقد است عرفی شدن در جوامع مختلف را نمی‌توان یک ضرورت حتمی دانست؛ زیرا جوهر دین، ساخت اجتماعی، شرایط تاریخی و فرهنگی در جوامع مختلف، متفاوت است. وی ادیان را به دو دسته تجزیه‌گرا و اندماجی تقسیم‌بندی می‌کند و ادیان اندماجی را در کشورهای مختلف صرفاً نام می‌برد. در نگاه وی دین اسلام برای خود ملاکات و مدعیاتی دارد که از بسیاری جهات بی‌بدیل است.

همچنین وی در اثر دیگر خود با عنوان «عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی» (شجاعی زند، ۱۳۸۱)، ضمن بیان فرآیند و همینطور نظریه‌های عرفی شدن، معتقد است عرفی شدن در اسلام با تجربه مسیحی متفاوت است. اسلام آخرین دین و دین اتم و اکمل بوده و آموزه‌های آن دنیوی و اخروی است. این ویژگی‌ها، اسلام را دینی با قابلیت عرفی پدید آورده است، نباید تجربه‌ی عرفی شدن مسیحیت که در مدرنیته غربی تحقق یافته به اسلام سرایت داد. اسلام دینی است که به دنیا و آخرت، عقل و ایمان، دولت و دین، فرد و جامعه پرداخته است. این مباحث با بحث الگوهای نظری مناسبات دین و دولت در جمهوری اسلامی ایران تفاوت دارد.

حمیدرضا اسماعیلی در کتاب «دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر» (اسماعیلی، ۱۳۸۶) به بحث رابطه دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر می‌پردازد. او ابتدا با پژوهش ابعاد و معانی متعدد نسبت دین و سیاست براساس سه روش استقرایی، انتزاعی، منطقی و تحلیلی به بیان باورهای رایج درباره چگونگی نسبت دین و سیاست می‌پردازد. درباره رابطه دین و سیاست در اندیشه مهدویت، می‌توان با توجه به مباحث فوق و آموزه‌های دینی در قرآن و احادیث به تبیین موضوع پرداخت، ولی تاکنون کتاب یا مقاله‌ای در این مورد نوشته نشده است. ابتدا به طرح مباحث دین و سیاست در دنیای مدرن و متجدد می‌پردازیم.

۲- رابطه دین و سیاست در جهان مدرن و متجدد

برای یک انسان مذهبی پرسش از مناسبات دین و دولت یک دغدغه همیشگی است. بررسی الگوهای نظری دین و سیاست در اروپا، می‌تواند در الگوهای نظری مناسبات دین و سیاست در دکتورین مهدوی مفید باشد.

اگرچه در گذار به دنیای مدرن، اندیشه‌های واحدی درباره دین و دولت وجود نداشته است؛ ولی رویکرد کلی آن از مرجعیت نقش دین در زندگی اجتماعی و سیاسی، به سوی کنار رفتن دین و حضور عقل خود بسنده در زندگی اجتماعی و سیاسی بوده است. سیاست مکلف است برای شهروندان امنیت، رفاه و بهداشت فراهم کند؛ اما نسبت به دین و معنویت رویکرد بیطرفی (neutrality) دارد (Waldron. 1993: 143). مدرنیته با عقلانیت استراتژیک، جهان زیست ۳ استعلایی افراد را به سوی نظامی دنیوی، عرفی و عقلی به معنی عقل عملی و محاسبه‌گر پیش برده است. این روند، یکسان و یکنواخت نبوده بلکه دوره‌های متفاوتی با ویژگی‌های متفاوت داشته است. در این بخش ابتدا بصورت مختصر تحولات فکری مربوط به مناسبات دین و سیاست را در دنیای مدرن پیگیری می‌کنیم تا در فحوای آن مناسبات دین و دولت در اندیشه دینی و اندیشه مهدویت مشخص شود. موريس باریه در کتاب «دین و سیاست در اندیشه مدرن» به تحولات مربوط به رابطه‌ی دین و دولت در تفکر مدرن پرداخته است که از جنبه اندیشه و جامعه‌شناسی اهمیت زیادی دارد. در این بخش ضمن طرح این الگوها (باریه، ۱۳۸۴: ۱۹ به بعد) به دیدگاه‌های مختلف درباره دین و دولت و همینطور تغییر و تحولات بعدی آن می‌پردازیم. به طور کلی چهار تلقی درباره رابطه‌ی دین و سیاست در تفکر مدرن شکل گرفته است:

۱-۲- برداشت دینی از رابطه‌ی دین و سیاست

یعنی در دوره‌هایی از تاریخ غرب اندیشمندانی اعتقاد به برتری مطلق دین بر سیاست و تبعیت دومی از اولی داشته‌اند. این برداشت دنیای مسیحی سده‌های میانه بوده است. کسانی که به تفوق امر روحانی باور داشتند عبارتند از؛ مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳)، کالون (۱۵۶۴-۱۵۰۹)، ژان بَدن (۱۵۹۶-۱۵۲۹)، بوسوئه (۱۷۰۴-۱۶۲۷) و ژوزف دومستر (۱۸۲۱-۱۷۵۳) نظریه دو شمشیر هم که در سده‌های میانه ارائه شده است.

۲-۲- برداشت ابزاری از رابطه‌ی دین و سیاست

الگوی دوم در تبیین مناسبات دین و سیاست، بر تبعیت دین از سیاست تأکید می‌کرد؛ از این رو، دین ابزاری در دست سیاست بود. در اینجا اندیشمندان به دین اهمیت کمتری می‌دادند. برخی مانند ماکیاول (۱۵۲۷-۱۴۶۹) و منتسکیو (۱۷۵۵-۱۶۸۹) برداشت معتدل‌تری داشتند و ضمن سودمندی سیاسی و اجتماعی دین، به طور روشمند

آنها تحلیل می‌کردند، برخی مانند هابز (۱۶۷۹-۱۵۸۸)، اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۳۲) و روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲) دین را به طور کامل تابع قدرت سیاسی قرار می‌دادند؛ به گونه‌ای که هابز حتی نظارت دولت بر کلیسا و ایمان را توصیه می‌کرد. (همان: ۱۱۹)

۲-۳- برداشت لیبرالی از مناسبات دین و سیاست

برداشت لیبرالی پس از انقلاب فرانسه و گسترش لیبرالیسم سیاسی شکل گرفت (همان: ۲۰۷) و دغدغه آن، دفاع از آزادی در همه عرصه‌ها بویژه عرصه دین و سیاست بود. این برداشت به جدایی کامل دین و سیاست گرایش داشته و بر استقلال آندو تأکید می‌کرد. متفکرانی مانند لاک (۱۷۰۴-۱۶۳۲)، کنستانت (۱۸۳۰-۱۷۶۷)، لامنه (۱۸۵۴-۱۷۸۲) و توکویل (۱۸۵۹-۱۸۰۵)، آن را بسط داده اند. کنستانت معتقد است که دین نیاز به آزادی کامل دارد تا با خروج از سلطه سیاسی، توسعه کامل یابد. سیاست همچنین نمی‌تواند در قلمرو وجدان و باورهای فردی که مربوط به افراد است مداخله کند (حوزه خصوصی)؛ به جهت تضاد ریشه‌ای اقتدار و عقیده، جدایی مطلق دین و سیاست و استقلال کامل آن‌ها از یکدیگر، مورد نظر اندیشمندان گرایش سوم است. این نگرش‌ها در میان روشنفکران سکولار در ایران هم طرفدارانی دارد.

۲-۴- برداشت انتقادی از رابطه دین و سیاست

متفکران غربی تا قرن نوزدهم به هیچ وجه در فکر نقد مفهوم سنتی دین نبودند، بلکه به ضرورت آن در کشور و جامعه اذعان داشتند؛ اما از این زمان دین در جامعه مورد نقد قرار گرفته و جایگاهش در جامعه بازنگری شد. (همان: ۳۲۴) برداشت انتقادی، دیگر به برتری دین بر سیاست یا بالعکس و یا استقلال کامل آندو از هم نمی‌اندیشد. از این رو، این طریق در برابر سه روش گذشته است. اما دو رویکرد معتدل و رادیکال در این الگو وجود دارد. رویکرد اول ایرادهای مسیحیت را نقد کرده و آن‌ها را با نیازهای جامعه مدرن منطبق نمی‌داند. متفکرانی مانند سیمون (۱۸۲۵-۱۷۶۰)، پرودن (۱۸۶۵-۱۸۰۹) و اگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸) نیز چنین دیدگاهی دارند. رویکرد رادیکال که دیدگاه‌های مارکس (۱۸۸۳-۱۸۱۸)، انگلس (۱۸۹۵-۱۸۲۰) و گرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱) است که نوسازی اشکال دین و همینطور جدایی دین و سیاست را ناکافی دانسته و بر خود دین، ایرادهای اساسی مانند از خود بیگانه کردن انسان‌ها و یا در حال زوال تدریجی بودن دین و مانند آن وارد

می‌سازند. سوسیالیست‌های تخیلی مانند سن سیمون، روبرت اوئن (۴) و پیر لرو (۵) مسیحیت حقیقی و نوسازی شده و اگوست کنت دین عجیب انسانیت را پیشنهاد می‌کنند. پرودن نسبت به دین بد گمان بوده و نسبت به سودمندی اجتماعی آن تردید دارد. مارکس و انگلس نه تنها به دولت مسیحی بلکه به طور کلی به دین نقد جدی دارند و آن را در از خود بیگانگی بشر، در رسیدن به نیازهای اقتصادی دخیل می‌دانند.

با توجه به تاریخچه سکولاریزاسیون و طرح دیدگاه اندیشمندان مربوطه به نظر می‌رسد، سکولاریزاسیون روندی است که در آن عمل انسان‌ها از ابتدا براساس خرافات اسطوره‌ای یا فرامین الهی بود و در جهان مدرن این جنبه تغییر یافته و براساس عقل و محاسبه‌ی سود و زیان و سازوکار اقتصاد بازار عمل می‌کند؛ یعنی مطابق دستگاه فکری ماکس وبر، عقلانیت ارزشی در میدان‌های مختلف، جای خود را به عقلانیت ابزاری داده است. این ویژگی به دلیل بروز و ظهور مدرنیته در غرب بوجود آمده است. پس عقلانیت مدرن بطور آشکار در برابر دین قرار دارد.

۳- رابطه دین و سیاست در شیعه امامیه با تاکید بر دکترین مهدویت

درباره رابطه دین و سیاست تقسیم بندی‌های متفاوتی وجود دارد. این تقسیم بندی‌ها به صورت وحدت کامل، معاضدت و همگرایی، انفکاک و واگرایی و معاندت و ستیز اشاره کرده اند (شجاعی زند، ۱۳۷۶: ۸۷)، در کتابها و مقالات متعدد تکرار شده است که؛ این تقسیم بندی‌ها، مربوط به رابطه دین و دولت در جوامع مسیحی است و ارتباط دین و دولت در جامعه اسلامی با جوامع مسیحی تفاوت دارد؛ زیرا دین مسیحیت فاقد احکامی در سامان زندگی بوده و آموزه‌های سیاسی ندارد. برای جلوگیری از خلط مبحث، ارتباط دین و سیاست در جامعه اسلامی را به دو صورت می‌توان بررسی کرد:

۳-۱- رابطه دین و سیاست به معنای رابطه متون دینی (نصوص دینی) و سیاست. در این مورد رابطه

نصوص دینی و سیاست مورد بررسی قرار می‌گیرد و در اندیشه سنتی تفاوتی بین علم سیاست و

سیاست به معنای سیاست روزمره و خط مشی^۶ وجود ندارد.

۴. Owen.

۵. Leroux

۶. policy.

۲-۳- رابطه نهاد دین (روحانیت) و نهاد سیاست (دولت). در این مورد ارتباط دین و دولت بر اساس نظریه ها و اندیشه های مختلف مورد بررسی قرار می گیرد.

در مباحث رابطه دین و دولت در دکتترین مهدوی، به قسم اول توجه خواهد شد، یعنی؛ با توجه به نصوص دینی (قرآن و روایات) رابطه دین و سیاست در دولت مهدوی چگونه ترسیم شده است. یکی از مباحث مهم در تفکر شیعه، تلائم دین و سیاست و ضرورت تأسیس حکومت اسلامی است و در مجموع اشراف دین بر سیاست و همینطور لازم و ملزوم بودن آن برداشت می شود. با توجه به آموزه های آیات و روایات در اسلام پیرامون رابطه دین و سیاست، به نظر می آید که سیاست در قلمرو دین قرار دارد و دین به سیاست جهت می بخشد. دین اسلام، دینی کامل و جامع است و درباره همه شئون زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی برنامه دارد. در این صورت، دین و سیاست لازم و ملزوم یکدیگرند و در همه برنامه های اسلام شامل اعتقادات، اخلاقیات و احکام، برنامه های سیاسی وجود دارد. رابطه دین و سیاست در اسلام یک رابطه ماهوی و منطقی است. بطور خلاصه می توان گفت:

- ۱- هدف دین و سیاست هدایت و تربیت جامعه برای رسیدن به سعادت است.
 - ۲- هدف پیامبران و امامان تشکیل حکومت عدل است.
 - ۳- حکومت مقدمه اجرای احکام الهی است.
 - ۴- در تاریخ اسلام، دین و سیاست به صورت واحدی ارائه شده است.
 - ۵- در حکومت مهدوی هم، پیوستگی دین و سیاست وجود دارد و حضرت مهدی (ع)، احکام تعطیل شده دین را هم اجرا می کند.
- عالمان شیعه برای ضرورت استمرار حکومت اسلامی و لزوم حکومت ادله مختلفی اقامه کرده اند؛ در این جا به برخی از آنها اشاره می شود:

۳-۱-۱- دلیل عقلی: ضرورت اجرای احکام اسلامی

در اسلام یکسری احکامی وجود دارد که بدون حکومت قابل اجراء نیست. آن احکام نیز، نشانه توجه دین اسلام، به احکام سیاسی و اجتماعی است. این احکام عبارتند از:

- ۱- احکام مالی مانند وضع خمس، مالیات، معادن، جنگلها و به طور کلی انفال و بیت المال.

۲- احکام دفاعی مانند احکام مربوط به حفظ اسلام و دفاع از مرزها و استقلال امت اسلامی.

۳- احکام قضایی مانند حدود، قصاص و تعزیرات .

امام خمینی(ره) در این زمینه می گوید: بر طبق آیات قرآن، اجرای این احکام، محدود به زمان پیامبر(ص) یا ائمه(ع) نیست، تعطیل شدن اجرای این احکام، بر خلاف ضروریات اعتقادی اسلام است(امام خمینی، بی تا: ۲۹-۳۰).

۳-۱-۲- آیات قرآن کریم:

آیات متعدد قرآن بر اهتمام دین اسلام به سیاست دلالت می کند. برخی از آیات بر اطاعت از ولی امر اشاره دارند. از خدا و رسول او و اولی الامر از خودتان اطاعت کنید(مائده: ۴۸)۷.

بر اساس این آیه اطاعت از رسول خدا و ولی امر در امور حکومتی واجب است(مظفر، بی تا، ج ۲: ۱۷) و در امور سیاسی باید به دستورات دین که از ناحیه پیامبر ابلاغ و اجرا می شود، ملتزم بود. مفسران شیعه اتفاق نظر دارند که واژه «اولوالامر» بر امامان شیعه دلالت دارند(مکارم، ۱۳۸۶: ۱۱۶). رهبری مادی و معنوی جامعه اسلامی، در تمام شؤون زندگی از طرف خداوند و پیامبر به آن‌ها سپرده شده است، و غیر آن‌ها را شامل نمی شود.

خداوند متعال پس از رسول اکرم(ص) حاکم معین می کند؛ این بدان معنی است که حکومت پس از رحلت رسول اکرم(ص) نیز، لازم است و رسول خدا(ص) حکم و فرمان الهی را بیان می کند و بر طبق آیه شریفه احکام اسلام محدود به زمان و مکان نیست.

برطبق آیات قرآن ارسال پیامبران برای اقامه عدل و قسط می باشد:

«ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و به آنها کتاب و میزان نازل کردیم، تا مردم به عدالت و قسط قیام کنند»(حدید: ۲۵)۸.

با این وصف، اجرای عدالت نیز، بدون تشکیل حکومت، ممکن نیست(قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۴۸۸).

۳-۱-۳- روایات معصومین(ع):

۷ . «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»

۸ . «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»

روایات متعددی درباره ضرورت سیاست و حکومت از معصومین رسیده است که در اینجا به یک مورد آن اشاره می‌شود:

روایت امام رضا(ع) در پاسخ به این سؤال که چرا ولی امر قرار داده شده و امر به اطاعت او شده است می‌فرماید:

امام می‌فرماید: اگر کسی بپرسد چرا خدای حکیم اولی الامر قرار داده و به اطاعت آنان امر کرده است می‌گوئیم به دلایل بسیار. و از آن دلایل این است که ما هیچ فرقه از فرقه‌ها و ملت از ملتها را نمی‌یابیم مگر آنکه بقاء و زندگی آنان به یک رئیس و حاکمی می‌باشد که امر دین و دنیای آنان را سامان بخشد. پس از حکمت حکیم به دور است که مردم را بدون چیزی که بدان نیاز و قوام دارند ترک کند...» (صدوق، علل الشرایع، ج ۱: ۱۸۳) ۹

یعنی برای گذران امر دین و دنیا، ناگزیر از لزوم توجه به ساماندهی حیات سیاسی و تشکیل حکومت می‌باشد و بدون آن زندگی قوام نمی‌یابد. ضرورت حکومت اسلامی موقتی و محدود به زمان خاصی نیست؛ بلکه همیشگی و از سنتهای خداوند است. تشکیل حکومت برای جلوگیری از نفوذ استعمارگران و تسلط سلاطین جور واجب است.

۳-۱-۴- سیره معصومین(ع):

در تلقی شیعه امامیه برای لزوم سامان زندگی سیاسی و توجه به سیاست، به سیره رسول خدا(ص)، امیرالمؤمنین علی(ع)، امام حسن(ع) و اهتمام ائمه دیگر به امور سیاسی و اجتماعی، این گونه استدلال می‌شود.

«سنت و رویه پیغمبر اکرم(ص) دلیل بر لزوم تشکیل حکومت است. زیرا خود تشکیل حکومت داد و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است، والی به اطراف می‌فرستاده، به قضاوت می‌نشسته، قاضی نصب می‌فرموده، سفیرانی به خارج و نزد رؤسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرده، معاهده و پیمان می‌بسته، جنگ را فرماندهی می‌کرده و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است. ثانیاً برای پس از خود به فرمان خدا، تعیین حاکم کرده است» (امام خمینی، بی تا: ۲۵)

۹ . «قیل لعل کثیره و منها انا لانجد فرقه من الفرق و لامله من الملل بقوا و عاشوا الا بقیم و رئیس لما لابد لهم منه فی امرالدین و الدنیا. فلم یجز فی حکم الحکیم ان یترک الخلق لما یعلم انه لابد لهم منه و لا قوام لهم الا به...»

پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) کسی از مسلمانان درباره ضرورت ورود به سیاست تردید نداشت آنچه که پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) مورد تایید مسلمانان بود، در این مورد بود که؛ چه کسی جانشین پیامبر(ص) باشد و امام علی(ع) هم، پس از سه خلیفه، با اقبال مردم در راس حاکمیت قرار گرفت و سازمان دولتی متناسب با سنت رسول اکرم(ص) را بوجود آورد.

۴- جایگاه امامت در دکترین سیاسی شیعه

از دیدگاه شیعه ولایت بر انسانها از شئون امامت امامان معصوم(ع) است. امامت نمونه عالی سیاست اسلامی و مهدویت مجری کامل و قطعی این سیاست است. از نظر شیعیان امامت، همانند نبوت، لطف الهی است(حلی، ۱۴۱۷ه ق: ۴۹۱). امام از عصمت برخوردار بوده، افضل و اعلم از همه مردم است، هیچگاه زمین از حجت خالی نخواهد بود(آل کاشف الغطاء، ۱۴۱۳ه ق: ۶۸) امامت در دکترین مهدویت از ارکان اعتقادی مذهب شیعه و در کنار توحید، نبوت و معاد است؛ زیرا خداوند همانگونه که پیامبر را برای تشکیل نظام سیاسی و هدایت مردم برگزیده است، دوازده امام هم با نص خاص به این امر منصوب شده اند، از این جهت ضروری است ائمه معصومین(ع) در صورت تحقق شرایط سیاسی، زعامت حکومت اسلامی را در اختیار داشته باشند؛ لکن برخی حوادث ناگوار پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) و شهادت امام علی(ع) باعث شد که پس از شش ماه حکومت امام حسن(ع)، رهبری سیاسی جامعه، از امامان دور شده است. اما امام دوازدهم بنابر نصوص دینی و وعده الهی حکومت فراگیر جهانی را جهت اقامه عدل، امنیت فراگیر و رفاه کامل برپا خواهد کرد. حضرت مهدی مهمترین وظیفه امامان یعنی جانشینی پیامبر(ص) در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی را در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست محقق خواهد کرد؛ آنگونه که در تعریف امامت گفته اند، ریاست عامه و عالی بر امور دین و دنیا(طوسی، ۱۳۳۵: ۱۵)

نصوص قرآنی امامت عبارت است از؛ آیه ولایت ۱۰ (مائده، ۵۵)، آیه تطهیر ۱۱ (احزاب، ۳۳)، آیه اولی الامر ۱۲ (نساء، ۵۹) و آیه مودت ذی القربی ۱۳ است (شوری، ۲۳) و احادیثی چون حدیث یوم الدار ۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۸: ۱۷۸)، حدیث منزلت ۱۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۱: ۲۰۸)، حدیث ثقلین ۱۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۱۴۰) و حدیث غدیر ۱۷ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۷: ۱۸۱). این آیات و روایات، علاوه بر بیان ضرورت تاسیس حکومت، بر نصب خاص حاکمیت دوازده امام و از جمله حکومت مهدوی دلالت می کند.

از دیدگاه شیعه امامیه، ولایت بر انسانها از شئون امامت امامان معصوم است. نیاز جامعه اسلامی به ولایت معصوم یک نیاز دائمی است و غیبت امام عصر (عج) به دلیل ضرورتی بوده است. در اندیشه سیاسی شیعه، غیبت از ارکان آن است و اراده خداوند بر آن تعلق گرفته است. مهدی (ع) زمانی ظهور خواهد کرد و با تاسیس دولت آرمانی اسلام، عدل و قسط را در جهان محقق خواهد کرد.

۵- حکومت جهانی حضرت مهدی و اجرای شریعت

در اسلام رسالت پیامبر جهانی بوده و آیه قرآن می فرماید: **(إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ)** (انبیاء: ۹۲) که تحقق آن در دوران حکومت ولی عصر است و مسلمانان باید در دوران غیبت هم زمینه های آن را فراهم کنند. در اندیشه مهدویت جهان وطنی از آرزوهای انسان بوده و مطابق با فطرت است و مراد از آن نوع انسان است (طبرسی، ۱۴۲۷، ج ۷: ۶۲).

«يَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجورًا»: «خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱: ۸۲).

۱۰ . إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ زَاكِعُونَ.

۱۱ . إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

۱۲ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

۱۳ . فَمَنْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ .

۱۴ . پیامبر (ص) فرمود: «إِنَّ هَذَا أَحَى وَوَصِيي وَخَلِيفَتِي فَيُكْتَمُ فَاذْعَبُوا لَهُ وَأَطِيعُوا.

۱۵ . پیامبر اکرم خطاب به حضرت علی علیه السلام فرمودند: «أَنْتَ مَنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.»

۱۶ . پیامبر (ص) فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابِ اللَّهِ وَ عِزَّتِي لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا.

۱۷ . پیامبر (ص) فرمود: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ.

در تلقی دکتترین مهدویت، به نقش هدایت‌گرانه خداوند از طریق نبوت و امامت در تنظیم حیات سیاسی توجه شده است و ادامه آن، ولایت امام مهدی(عج) در عصر غیبت است که حتی، هدایت معنوی ایشان، به خورشید پشت ابر تشبیه شده است(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲: ۹۲). و جامعه اسلامی هیچ گاه خالی از حجت نیست. در اندیشه مهدویت، امامت نوعی لطف از طرف خداوند است و هدایت دینی، پشتوانه‌ای برای عقول بشری است. وجود امام معصوم(ع) که منصوب از طرف خداوند است، همواره چتر امنیتی و دفاعی قوی برای جامعه اسلامی فراهم می‌کند و مردم احساس می‌کنند، دست غیبی از آن‌ها در برابر تهاجمات دشمنان اسلام حمایت می‌کند. از طرفی، در حدیث نبوی داریم هر کس که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است (نعمانی، ۱۳۹۷هـ: ۱۲۹).

از دیدگاه شیعه با تشکیل حکومت جهانی، اسلام به عنوان دین حق و دارای شریعت جامع با پذیرش عمومی جهانیان همراه خواهد شد؛ از این رو محدوده جغرافیایی و سرزمین حکومت حضرت مهدی، کل جهان و بلکه کل کرات را در بر می‌گیرد، امنیت و صلح جهانی در همه جا تأمین خواهد شد. در روایتی از امام باقر(ع) در این زمینه نقل شده است:

«گوئیا من یاران قائم را می‌بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه یافته‌اند و همه چیز تحت فرمان آنان است.» (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق، ج ۵۲: ۳۲۷).

و در روایتی از رسول خدا(ص) در این زمینه آمده است:

«خداوند به وسیله قائم، مشرق‌ها و مغرب‌های زمین را فتح خواهد کرد.» (صدوق، ۱۳۹۵هـ.ق، ج ۱: ۳۹۸).

امام حسین(ع) می‌فرماید: خداوند به وسیله مهدی، دین حق را بر تمام ادیان ظهور می‌بخشد، اگرچه مشرکان آن را نپسندند(صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۷).

پیامبر اسلام(ص) در این زمینه می‌فرماید: اگر از عمر این جهان، یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آن قدر طولانی می‌کند که فرزندم ظهور کند و زمین را به نور خود روشن سازد، حکومت او شرق و غرب جهان را فرا گیرد. (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۸۰).

با توجه به مباحث مربوط به رابطه دین و سیاست در دکتترین مهدویت، تفاوت آن با باورهای مدرن در حوزه سیاست را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱- هسته مرکزی مهدویت، خدامحوری و توحید است و این امر کلیه مفاهیم اجتماعی، سیاسی و کلیه تاروپود فرد و جامعه را تحت تأثیر خود قرار می دهد. سیاست در آموزه‌های مهدویت از طرفی، با مفهوم دیانت گره خورده است و از سوی دیگر، تحقق حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)، ظلم و ستم را در دنیا ریشه کن می کند.

۲- نگاه به سیاست در دکترین نگاه سعادت محور و فضیلت محور است و هدف آن، سعادت انسان در دنیا و آخرت است. هدف سیاست ورزی مهدوی، احیای دین حق و برقراری توحید و مبارزه با ظلم و استثمار است؛ اما در دنیای مدرن به دلیل سلطه اندیشه بیطرفی، دولت در امور دینی و اخلاقی دخالت نکرده و این امور را به حوزه شخصی افراد سوق می دهد.

۳- بر اساس دکترین مهدویت، مشروعیت حکومت منحصر در خداوند متعال است. از این رو، مشروعیت قدرت سیاسی (حق الزام سیاسی) در انحصار ولایت تشریحی خداوند است. در این صورت، اعمال قدرت سیاسی به خاطر ذات توحید ربوبی: حقانی و الزام آور است؛ چرا که در نظام تکوین و تشریح، هیچ منشأ و مبدایی در عرض خداوند نیست؛ زیرا حاکمیت، بالذات و حقیقتاً از آن خداست؛ پس حاکمیت همه حکومت های غیر خداوند، جنبه عرضی، جعلی و اعتباری دارد. همه حقوق از خداوند متعال نشئت می گیرد. بدین سبب، رهبری و زعامت سیاسی جامعه در عصر حضور؛ نصبی (نصب خاص) است. یعنی؛ نصب امام عصر هم از سوی خداوند، پیامبر و ائمه معصومین با اذن خداوند است.

۴- تفاوت دیگر در برقراری امنیت است که حکومت های مدرن در محدوده سرزمینی خود، امنیت شهروندان را ایجاد می کنند؛ اما حکومت مهدوی امنیت را در سطح جهانی ایجاد می کند.

(وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ).
(سوره نو: ۵۵)

در این آیه شریفه، مهم ترین کارکرد حکومت مهدوی را برقراری امنیت فراگیر می داند که در سایه آن عبودیت فراهم می شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۳۱). در این صورت، رابطه دین و دولت را در این حکومت با حکومت های دیگر متمایز می کند.

۵- درباره خواستگاه دولت دیدگاه‌های مختلفی پیرامون آن بیان شده است (عالم، ۱۳۸۷: ۱۶۴) نظریه خواستگاه الهی دولت، نظریه زور، نظریه ژنتیک، نظریه طبیعی ارسطو و نظریه قرارداد اجتماعی. دولت مهدوی دارای خواستگاه الهی است. بر این اساس دولت مهدوی آفریده خداست و خداوند آن را مقدر و مستقر می‌کند. فرمان او فرمان خدا و سرپیچی از آن مخالفت با اراده الهی است.

«و ما اراده کردیم که بر مستضعفان زمین منت بگذاریم و آن‌ها را وارث زمین قرار دهیم.» (نور: ۵۵) ۱۸ رسول خدا(ص) در این باره می‌فرماید: پیشوایان پس از من دوازده نفرند، نخستین آنان تو هستی ای علی! و آخرین آن قائم است. همان که خداوند با دستانش، مشارق و مغارب زمین را فتح خواهد کرد(صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۹۸).

خالق و آفریننده دولت حضرت مهدی(عج)، خداوند است و او اراده کرده است که بوسیله این دولت، جامعه اسلامی را در آخرالزمان مستقر ساخته و از مسلمانان در برابر مشرکان و منافقان، دفاع نماید و امنیت همه جانبه فراهم کند(مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۶).

۶- از آیات و روایات به دست می‌آید که برخی اهداف حکومت مهدوی عبارت است از برقراری توحید و نفی کفر و شرک، پیشرفت اخلاقی و معنوی جامعه، برقراری عدالت در همه ابعاد در سطح جهانی، اداره جهان بر اساس ایمان به خدا و احکام دین، مقابله با ظلم و استثمار، برقراری حکومت جهانی اسلام، رشد و توسعه علوم و دانش بشری و در نتیجه آن، رفاه و توسعه اقتصادی، رفع تبعیض و نابرابری و سرانجام، تحقق امنیت در پهنه گیتی و دفاع از بشریت در برابر طاغوت.

اهداف حکومت در مدرنیته غرب بر اساس اومانیزم و انسان‌محوری، سکولاریسم و جدایی دین و دولت، توجه به دنیا و مادیات می‌باشد و دولت در مسایل فرهنگی، سیاست بی‌طرفی (neutrality) را دنبال می‌کند. اما در اندیشه مهدویت، هدف حکومت، پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در کنار معنویت، فضایل اخلاقی و قرب الهی معنا می‌یابد. حکومت حضرت مهدی(عج) حکومتی سکولار نیست، بلکه مهم‌ترین هدف آن احیاء توحید و دعوت به اسلام است. پیامبر اسلام(ص) در حدیثی می‌فرماید:

۱۸. «و تُرِيدُ أَنْ نُمَنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

«قائم در آخرالزمان، قیام به اسلام می‌نماید. همچنان که من در آغاز اسلام قیام به آن نمودم.» (مجلسی، ۱۴۰۴هـ.ق ج ۵۱: ۷۸).

بر اساس دکترین مهدویت، در سیره پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع)، از جمله وظایف حکومت، آن بوده است که به تربیت روحی و اخلاقی افراد همت بیشتری داشتند تا به موجب آن هر مسلمان، در نهان و در تنهایی خویش، امنیت خود و جامعه را نادیده نگیرد. در روایات مربوط به مهدویت، به جوانب درونی و اخلاقی افراد، توجه خاص شده است. امیرالمؤمنین علی(ع) در این زمینه، می‌فرماید: حضرت قائم در هنگام بیعت مردم با او، با شروطی از آن‌ها بیعت می‌گیرد که؛ مسلمانی را دشنام ندهند، حریمی را هتک نکنند، به خانه‌ای هجوم نبرند، کسی را به ناحق زنند و... (صافی، ۱۴۱۹هـ.ق، ج ۱: ۶۹).

۷- مبانی عدالت در تلقی مدرن، بر اساس نظریه قرارداد اجتماعی است که با افکار اندیشمندانی مثل هابز، لاک، روسو و رالز شکل گرفته است و در آن عدالت، امری تأسیسی، قراردادی و بر اساس توافق و رضایت شهروندان است؛ عدالت، امری فطری و نفس‌الامری نیست. اما در دکترین مهدویت، عدالت، امری ذاتی و نفس‌الامری است و به رضایت افراد بستگی ندارد. در نتیجه عدالت خارج از خواست افراد وجود دارد و عدالت فطری است و منشأ الهی دارد.

۸- کارگزاران و نخبگان حکومت‌ها؛ چه در عصر حضور و یا غیبت، اگر متعهد و کارآمد باشند، جامعه از حیث امنیت و دفاع جامعه دچار مشکلی نمی‌شود. در روایتی از امام علی(ع)، خصوصیات کارگزاران حکومت حضرت مهدی آمده است که می‌تواند برای دوران غیبت هم‌الگو و اسوه باشد.

«قائم از اصحابش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنا نکنند، به کسی دشنام ندهند، خون حرامی را نریزند، آبروی افراد را محترم شمرند، به خانه کسی حمله نکنند، کسی را به ناحق کتک نزنند، طلا و نقره، گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم نخورند، به چیزی که نمی‌دانند گواهی ندهند، مسجدی را ویران نکنند، مشروبات الکلی نخورند، جامه حریر و ابریشم نپوشند، کمر بند زرین نبندند، راهزنی نکنند، راه‌ها را ناامن نکنند، هم‌جنس‌بازی نکنند، مواد خوراکی مثل گندم و جو را احتکار نکنند، به مقدار کم خوشنود باشند، عطر بزنند، از پلیدی‌ها دوری کنند، مردم را به کارهای خوب فرمان دهند، دیگران را از زشتی‌ها بازدارند... در راه خدا آن گونه که شایسته است جهاد کنند.» (صافی، ۱۴۱۹هـ.ق: ۶۹).

برخی از صفاتی که درباره یاران امام عصر ذکر شده و در روایات دیگر هم آمده است، گواه روشنی بر توجه حکومت مهدوی به استخدام نخبگان و کارگزاران شایسته برای ایجاد عدالت کامل بر روی زمین است.

خلاصه و نتیجه:

در این پژوهش با تعریف مفاهیم و اصطلاحات مورد نیاز مانند دین، سیاست، مهدویت و دکترین مهدویت، دیدگاهها و نظریه های مرتبط، بر اساس تقسیم بندی کتاب باریه مورد توجه قرار گرفت تا هم زمینه ای برای طرح موضوع فراهم نماید و هم تلاشهای تجربه بشری در دنیای مدرن در رابطه دین و دولت نشان دهد. در این صورت، دیدگاه دکترین مهدویت شیعه امامیه درباره رابطه دین و سیاست با اندیشه های مدرن و متجدد مقایسه گردید. مباحث تبیین رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت بر اساس قرآن و روایات، در بستر مبانی شیعه در نبوت و امامت بیان گردید. از این رو، هیچگاه زمین از حجت الهی خالی نیست و امامت ادامه نبوت می باشد. حضرت مهدی مهمترین وظیفه امامان - یعنی جانشینی پیامبر در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی - را در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست، محقق خواهد کرد. امام دوازدهم (ع) بنابر نصوص دینی و وعده الهی، حکومت جهانی را جهت اقامه عدل، امنیت فراگیر و رفاه کامل برپا خواهد کرد. بنابراین می توان نتایج و دستاوردهای این پژوهش را به صورت ذیل بیان کرد:

۱- تقسیم بندیهای جوامع مسیحی درباره رابطه دین و سیاست، برای مباحث دنیای اسلام، به دلیل سیاسی بودن دین اسلام و سیاسی نبودن دین مسیحیت، مناسب نیست و در طبقه بندیها باید به این ظرافتها توجه شود. دین در اندیشه مدرن و متجدد به حوزه فردی رانده شده و از عرصه سیاست و اداره سامان زندگی حذف می شود.

۲- رابطه دین و سیاست در دکترین مهدویت، یک رابطه منطقی و ماهوی است. دین همواره نهاد فراگیری بود که رابطه انسان را با خدا، انسانهای دیگر، خود و طبیعت مشخص می نماید. دین اشراف بر سیاست داشته و جهت آن را مشخص می کند.

- ۳- با توجه به آموزه های دینی در آیات قرآن و روایات معصومین(ع)، در حکومت مهدوی، پیوستگی دین و سیاست وجود دارد و حضرت مهدی(ع)، احکام تعطیل شده دین را هم اجرا می کند.
- ۴- امامت در دکترین مهدویت از ارکان اعتقادی مذهب شیعه و در کنار توحید، نبوت و معاد است. حضرت مهدی(ع) بنابر نصوص دینی و وعده الهی مهمترین وظیفه امامان یعنی جانشینی پیامبر(ص) در تبلیغ و هدایت معنوی انسان، قضاوت و اداره نظام سیاسی را در زمانی که تعیین آن برای کسی جز خداوند معلوم نیست محقق خواهد کرد از این رو تلازم دین و سیاست روشن و مبرهن گردید.
- ۵- از دیدگاه قرآن کریم و روایات، خالق و آفریننده دولت حضرت مهدی(عج)، خداوند است و او اراده کرده است که بوسیله این دولت، جامعه اسلامی را در آخرالزمان مستقر ساخته و از مسلمانان در برابر مشرکان و منافقان، دفاع نماید و امنیت همه جانبه فراهم کند.

منابع:

۱. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: کتابهای حبیبی، ۱۳۶۴.
۲. اسماعیلی، حمیدرضا، دین و سیاست در اندیشه سیاسی معاصر، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶.
۳. امام خمینی(ره)، سید روح الله، ولایت فقیه، قم: انتشارات آزادی، [بی تا].
۴. آل کاشف الغطاء، محمدحسین، اصل الشیعه و اصولها، بیروت، موسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۴۱۳ه. ق.
۵. باریه، موریس، دین و سیاست در اندیشه مدرن، تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۴.
۶. بهروزلک، غلامرضا، سیاست و مهدویت، قم: انتشارات حکمت رویش، ۱۳۸۴.
۷. جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینه معرفت، قم: رجاء، ۱۳۷۳.
۸. دوورژه، موریس، اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: کتابهای حبیبی، ۱۳۴۹.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۸.

۱۰. شجاعی زند، علیرضا، تکاپوهای دین سیاسی، تهران: باز، ۱۳۸۳.
۱۱. شجاعی زند، علیرضا، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۰.
۱۲. شجاعی زند، علیرضا، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: باز، ۱۳۸۱.
۱۳. شجاعی زند، علیرضا، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی، تهران: تبیان، ۱۳۷۶.
۱۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم: مؤسسه سیده المعصومه (س)، ۱۴۱۹ هـ. ق.
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، قم: ۱۳۹۵ هـ. ق.
۱۶. صدوق، محمد بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، قم: جامعه مدرسین ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ترجمه المیزان، ج ۲، تهران: انتشارات محمدی، ۱۳۶۹.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمرتضی، ۱۴۲۷ هـ. ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبه، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۲۱. طوسی، خواجه نصیرالدین، رساله امامت، به کوشش محمدتقی دانش‌پژو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۲۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۲۳. عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشرنی، ۱۳۷۴.
۲۴. علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، تحقیق حسن حسن زاده آملی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۶. علی بابایی، غلامرضا و آقای، بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: شرکت نشر ویس، ۱۳۶۵.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارالوفاء، ۱۴۰۳ هـ ق.
۲۸. مظفر، محمدحسن، دلائل الصدق، تهران: مکتبه الذجاج، بی تا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۶.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۳۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۳۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران: مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ هـ ق.
۳۳. نقیب زاده، احمد، درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی، تهران: قومس، ۱۳۸۰.
۳۴. Waldron, Jeremy, legislathon and moral neutrality, in liberal rights: collected, new York, Cambridge university press, 1993.